

رسالت مبلغان در خون خواهی شهیدان

(تبیین مبانی، برکات و آثار)

حجت الاسلام والمسلمین مسلم موحدی راد*

اشاره

فرهنگ خون خواهی در اندیشه اسلامی، ریشه‌ای عمیق در آموزه‌های قرآنی و روایی دارد و فراتر از یک واکنش احساسی، تجلی مطالبه عدالت الهی، پاسداشت حرمت خون مظلوم و استمرار مبارزه با ظلم است. این مقاله با رویکرد توصیفی - تحلیلی به تبیین رسالت مبلغان دینی در احیای گفتمان خون خواهی شهیدان جنگ تحمیلی در برابر آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد خون خواهی شهیدان موضوعی دقیق و منطبق با مبانی اسلامی است و فراتر از مطالبه قصاص، عامل بازدارندگی در برابر استکبار، تقویت وحدت و بصیرت اجتماعی، حفظ حافظه تاریخی و زمینه‌سازی برای تحقق وعده الهی پیروزی صالحان بر مستکبران است. مبلغان دینی با ایفای این رسالت، نقش محوری در انتقال ارزش‌های جهادی، تقویت مقاومت فرهنگی و هدایت جامعه به سوی آرمان‌های تمدنی انقلاب اسلامی دارند و از این درگاه آثار و برکاتی چون ایجاد ناامنی روانی برای عاملان ترور، کسب رزق معنوی با خون خواهی شهیدان و امام شهید، تأمین امنیت و بازدارندگی و وحدت به دست می‌آید.

مقدمه

فرهنگ خون خواهی در اندیشه اسلامی، پدیده‌ای صرفاً پساعاشورایی نیست، بلکه ریشه در تاریخ ادیان الهی و آموزه‌های وحیانی دارد. این فرهنگ از نخستین قتل ناحق در تاریخ بشر آغاز شد و در تاریخ انبیا در قالب دفاع از مظلوم، مطالبه عدالت و مقابله با ستم استمرار یافته است.

* دانش پژوه سطح چهار مشاوره اسلامی گرایش خانواده و ازدواج.

در مکتب اسلام نیز این مفهوم در نهضت عاشورا به اوج خود رسید و در اندیشه مهدویت به کمال نهایی می‌رسد.

نخستین جلوه خون‌خواهی را می‌توان در داستان فرزندان حضرت آدم علیهم‌السلام مشاهده کرد. قرآن کریم در آیات ۲۷ تا ۳۱ سوره «مانده»، ماجرای قتل حضرت هابیل به دست برادرش قابیل را نقل می‌کند. این حادثه، نخستین قتل به‌ناحق در تاریخ انسان و نقطه آغاز ظلم و فساد در زمین است. خداوند در ادامه در آیه ۳۲ می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا: هر کسی انسانی را بدون آنکه مرتکب قتل یا فساد در زمین شده باشد بکشد، گویی همه انسان‌ها را کشته است». این آیه نشان می‌دهد که خون انسان بی‌گناه، ارزش و حرمت فراگیر دارد و دفاع از آن وظیفه‌ای الهی است. بر اساس این نگرش، اندیشه خون‌خواهی پیش از آنکه به معنای انتقام باشد، تجلی پاسداری از عدالت و حرمت جان انسان است.

در تاریخ بنی‌اسرائیل نیز قرآن بارها به قتل پیامبران و صالحان اشاره می‌کند؛ آیاتی مانند آل‌عمران: ۲۱، بقره: ۶۱ و ۸۷، از کشتار انبیا و بندگان صالح به دست ستمگران سخن می‌گوید و این جنایت‌ها را از بزرگ‌ترین مظاهر طغیان معرفی می‌کند. گفتنی است در بسیاری از این موارد مجازات الهی تحقق یافت؛ اما این گزارش‌های قرآنی نشان می‌دهد که خون مظلوم هرگز بی‌اثر نمی‌ماند و سنت الهی بر حمایت از مظلوم و مجازات ظالم استوار است. این اصل یکی از مبانی تاریخی فرهنگ خون‌خواهی در ادیان توحیدی محسوب می‌شود.

اوج تبلور این فرهنگ در تاریخ اسلام، نهضت عاشورا است. شهادت امام حسین بن علی علیه‌السلام و یارانش در سال ۶۱ هجری، نقطه عطفی در شکل‌گیری فرهنگ خون‌خواهی در اندیشه شیعه به شمار می‌آید. حادثه کربلا، مفهوم خون‌خواهی را از مطالبه‌ای شخصی یا قبیله‌ای فراتر برد و آن را به نمادی از مبارزه همیشگی با ظلم، احیای عدالت و صیانت از دین تبدیل کرد. بر همین اساس، شعار «یا لثارات الحسین» در منابع روایی و تاریخی،^۱ دعوت به احیای آرمان‌های عاشورا و مقابله با ستم تلقی می‌شود، نه صرفاً انتقام‌جویی فردی. در پی واقعه کربلا، قیام مختار بن ابی‌عبیده ثقفی با شعار «یا لثارات الحسین» شکل

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷؛ حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۱۴؛ محمد بن ابی‌طالب حسینی حائری، تسلیة المُجالس، ج ۲، ص ۴۹۳.

گرفت.^۱ مختار با سازمان‌دهی نیروهای خود، بسیاری از عاملان مستقیم واقعه کربلا را به مجازات رساند.^۲ در اندیشه شیعه، فرهنگ خون‌خواهی در نهایت با نهضت جهانی حضرت حجت بن حسن المهدی علیه السلام پیوند می‌یابد. در روایات متعددی آمده است که یکی از شعارهای قیام آن حضرت، «یا لثارات الحسین» خواهد بود.^۳ البته مقصود از این خون‌خواهی، انتقام شخصی نیست، بلکه تحقق کامل عدالت الهی، ریشه‌کن کردن ظلم و احیای آرمان‌های عاشورا در سراسر جهان است. بنابراین فرهنگ خون‌خواهی در اندیشه مهدوی، استمرار تاریخی مبارزه حق علیه باطل و تحقق وعده الهی درباره پیروزی نهایی صالحان بر مستکبران است.

معنای خون‌خواهی

خون‌خواهی با قصاص متفاوت است، قصاص به معنای مجازات عاملان و آمران جنایت است. قاتلان سیدالشهداء علیهم السلام در قیام‌های پس از ایشان قصاص شدند و به هلاکت رسیدند، اما سیدالشهداء هنوز هم ثارالله هستند. امیرالمؤمنین نیز در زیارت عاشورا، ثارالله معرفی می‌شود؛ درحالی که می‌دانیم امام مجتبی علیه السلام ابن ملجم مرادی را قصاص کردند؛ ازاین‌رو خون‌خواهی متفاوت از قصاص و امری جامع‌تر از قصاص است.^۴

قصاص را می‌توان گام اول خون‌خواهی دانست؛ به بیان دیگر، گام اول فرایند خون‌خواهی با قصاص انجام می‌پذیرد؛ اما خون‌خواهی با قصاص به پایان نمی‌رسد. بر همین اساس با اینکه در زمان امام سجاد علیه السلام، قصاص قاتلان محقق شد و در زمان امام صادق علیه السلام، حکومت بنی‌امیه سرنگون گردید، هنوز سیدالشهداء، ثارالله است؛ چراکه خون‌خواهی اعم از سرنگونی حکومت ظلم است. وقتی انسانی عادی کشته می‌شود، خانواده‌ای از نعمت وجود او محروم می‌شوند؛ اما هنگامی که ولی خدا، امام حق یا پرچمدار و سردار جبهه توحید به شهادت می‌رسد، چه اتفاقی در عوالم ملک و ملکوت رخ می‌دهد؟ در اینجا محرومیت عظیمی در مقیاس تاریخ و عالم ایجاد می‌شود. ولی خدا واسطه فیض، هادی امت به سوی کمال و تجلی نور الهی در

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۲۰.

۲. سیدعبدالحسین حسینی خاتون‌آبادی، وقایع السنین و الاعوام، ج ۱، ص ۱۰۷؛ اسماعیل بن علی ابوالفداء، تاریخ ابی‌الفداء، ج ۱، ص ۲۷۰.

۳. حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۱۴؛ عبدالله بن نورالله بحرانی، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، ج ۱۷، ص ۵۳۸.

۴. محمدرضا عابدینی، برخیز به خون‌خواهی، ص ۱۹ - ۲۰.

تاریکی‌های زمین است؛ از این‌رو با حذف فیزیکی او، جامعه بشری از هدایت بسط عدالت و رشد تمدنی محروم می‌گردد. بنابراین خون‌خواهی در این مقام صرفاً مجازات قاتل میدان نیست، بلکه تلاشی است مستمر و حماسی برای جبران این محرومیت عظیم. این محرومیت عظیم با تحقق اهداف و آرمان‌هایی تحقق می‌یابد که آن وجود نازنین به دنبال آن بود.^۱

مبانی قرآنی خون‌خواهی شهیدان

بیان شد که فرهنگ خون‌خواهی شهیدان در اندیشه اسلامی، ریشه در اصول بنیادین قرآن کریم دارد. تعبیر «خون‌خواهی شهیدان» در قرآن به کار نرفته است؛ اما آموزه‌هایی همچون حرمت خون انسان، حمایت از مظلوم، مشروعیت قصاص، مبارزه با ظلم و وعده الهی برای غلبه حق بر باطل، مبانی نظری این فرهنگ را شکل می‌دهند. از منظر قرآن، خون انسان مؤمن دارای قداست است و ریخته شدن آن به ناحق نه تنها حق فردی، بلکه امنیت و عدالت اجتماعی را نیز مخدوش می‌کند؛ از این‌رو خداوند برای جلوگیری از استمرار ظلم، حق مطالبه عدالت را برای اولیای مقتول به رسمیت شناخته است. یکی از مهم‌ترین مستندات قرآنی در این باره آیه ۳۳ سوره «اسراء» است: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُضْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا: و کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده [و به جان‌ش حرمت نهاده] جز به حق نکشید، و هر کسی مظلوم [و به ناحق] کشته شود، برای وارثش تسلطی بر قاتل [برای خون‌خواهی، دیه و عفو] قرار داده‌ایم، پس وارث مقتول نباید در کشتن زیاده‌روی کند؛ زیرا او [با قوانین صحیح و درستی چون دیه و قصاص] مورد حمایت قرار گرفته است».

این آیه ضمن تأکید بر حرمت قتل، برای ولی مقتول مظلوم «سلطان» قرار داده است. علامه طباطبایی در المیزان، «سلطان» را به معنای حق شرعی و قانونی برای استیفای حق می‌داند و تصریح می‌کند که این حق باید در چارچوب عدالت و به دور از اسراف (کشتن فرد دیگر، یا بیش از یک نفر) اعمال شود.^۲ طبرسی نیز در مجمع‌البیان، این آیه را دلیلی بر مشروعیت قصاص عادلانه و نفی انتقام‌جویی جاهلی می‌داند.^۳ بنابراین خون‌خواهی در

۱. همان، ص ۲۳.

۲. سیدمحمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۱۲۳.

۳. فضل بن حسن طبرسی، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ج ۳، ص ۴۵۷.

منطق قرآن، سازوکاری برای احیای عدالت و جلوگیری از تکرار ظلم است، نه ابزاری برای خشونت یا انتقام شخصی.

مبنای دیگر این فرهنگ، جایگاه والای شهیدان در قرآن کریم است. خداوند در آیه ۱۵۴ سوره «بقره» می‌فرماید: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» و به آنان که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگوئید، بلکه [در عالم برزخ] دارای حیات‌اند؛ ولی شما [کیفیت آن حیات را] درک نمی‌کنید».

در آیه ۱۶۹ سوره «آل عمران» نیز می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» و هرگز گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند».

این آیات نشان می‌دهد که شهادت پایان حیات انسان نیست، بلکه آغاز مرتبه‌ای برتر از زندگی است. از دیدگاه مفسران، حیات شهیدان بیان‌کننده استمرار تأثیر معنوی و اجتماعی آنان در جامعه اسلامی است. بنابراین خون‌خواهی و قصاص قاتلان شهدا و پاسداشت راه شهیدان و تلاش برای تحقق آرمان‌های آنان، ریشه در همین نگرش قرآنی (جایگاه والای شهیدان) دارد.

قرآن کریم همچنین اصل دفاع از مظلوم و مقابله با ظلم را از حقوق مسلم انسان‌ها معرفی می‌کند؛ از این‌رو در آیات ۴۱ و ۴۲ سوره «شوری» می‌فرماید: «وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ؛ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» و کسانی که پس از ستم‌دیدن‌شان [به حکم حق و برابر قوانین اسلام] در مقام انتقام برآیند، ایرادی بر آنان نیست [و در شرع مقدس مجوزی وجود ندارد که حق آنان را باطل کنند] ایراد و محکومیت فقط متوجه کسانی است که به مردم ستم روا می‌دارند و به ناحق در زمین سرکشی می‌کنند، اینان‌اند که برای آنان عذابی دردناک خواهد بود». این آیه ضمن تأیید دفاع مشروع از حق، آن را از دایره سرزنش خارج می‌داند. در تفسیر آیه آمده است: «از آیه قبلی که فرمود: "فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ" به ذهن آید؛ چون ممکن بود کسی که بر او ظلم شده توهّم کند این دستور، حق انتصار او را ضایع کرده و خلاصه اجازه داده همه مظلومان از حق خود صرف‌نظر کنند؛ لذا برای دفع این شبهه فرمود: "کسانی که بعد از ستم‌دیدن در مقام گرفتن

حق خود برآیند، هیچ مانعی جلوگیری‌شان نیست" و در شرع الهی هیچ مجوزی نیست که حق آنان را باطل کند. و نکته دیگر اینکه فرمود: "تنها محکومیت از آن کسانی است که به مردم ظلم می‌کنند، و می‌خواهند بدون حق در زمین طغیان کنند"، آری ستمکاران محکومند به اینکه از ایشان انتقام گرفته شود».^۱

از سوی دیگر، قرآن کریم وعده داده است که زمین سرانجام در اختیار بندگان صالح قرار خواهد گرفت: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۲ و همانا ما پس از تورات در زبور نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به میراث می‌برند». این آیه ترسیم‌کننده چشم‌انداز نهایی تحقق عدالت الهی است و در روایات با حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه و تحقق کامل عدالت پیوند یافته است.^۳ بنابراین خون‌خواهی شهیدان، صرفاً مطالبه قصاص نیست، بلکه حرکتی در مسیر تحقق عدالت، نفی ظلم و حرکت به سمت زمینه‌سازی وراثت صالحان در زمین به شمار می‌آید.

بر این اساس، مبلغان دینی وظیفه دارند ضمن تبیین مفهوم خون‌خواهی در پرتو این مبانی قرآنی، آن را از برداشت‌های احساسی، قوم‌گرایانه یا خشونت‌طلبانه متمایز کنند. در نگرش قرآن، خون‌خواهی زمانی مشروع و ارزشمند است که در خدمت اقامه عدالت، دفاع از مظلوم و پاسداری از کرامت انسانی قرار گیرد.

مبانی روایی خون‌خواهی شهیدان

خون‌خواهی شهیدان به‌ویژه سیدالشهدا امام حسین علیه السلام یکی از مهم‌ترین آموزه‌های شیعی است که ریشه در عمق اعتقادات دینی دارد. این مفهوم نه تنها بیان‌کننده حس عدالت‌خواهی و مبارزه با ظلم است، بلکه نمادی از تداوم راه انبیا و اولیای الهی در طول تاریخ به شمار می‌رود.

الف) دسته‌ای از روایات موضوع خون‌خواهی سیدالشهدا علیه السلام را تبیین و تصریح می‌کنند؛ برای نمونه در حدیث صحیح ریان بن شیبب از امام رضا علیه السلام آمده است: در آغاز ماه محرم، امام فرمودند که آسمان‌ها و زمین برای امام حسین گریستند و چهار هزار فرشته فرود آمدند...؛ همین

۱. سیدمحمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۹۵.

۲. انبیاء: ۱۰۵.

۳. هاشم بن سلیمان بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۸۴۸؛ محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۳۵۷ - ۳۵۸.

فرشتگان در کنار قبر ایشان ماندند تا زمانی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند و با یارانش خون‌خواهی نماید و شعارشان «یا لثارات الحسین»^۱ است.^۲ در زیارت معتبر و متقن عاشورا نیز می‌خوانیم: «السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ... فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكُمْ - مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ»^۳ سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون او...؛ پس از خدا درخواست می‌کنم که مرا توفیق طلب خون شما را عطا کند، همراه با امام مهدی علیه السلام. در کامل الزیارات نیز نقل شده است امام باقر علیه السلام فرمودند: «قَالَ يَقُولُونَ عَظَّمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ علیه السلام وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله»^۴ گفت آنها می‌گویند خداوند اجر و پاداش ما را در مصیبت و عزای حسین علیه السلام عظیم و بزرگ گرداند و ما و شما را از کسانی قرار دهد که خون او را طلب می‌کنند، همراه با ولی‌اش امام مهدی علیه السلام از دودمان محمد صلی الله علیه و آله.

همچنین در دعای معروف ندبه که با سند معتبر از امام صادق علیه السلام به دست ما رسیده است، می‌خوانیم: «أَيُّ الطَّالِبِ يَدْخُلُ الْأَنْبِيَاءَ وَابْتِئَاءِ الْأَنْبِيَاءِ أَيُّ الطَّالِبِ يَدِمُ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ أَيُّ الْمَنْصُورِ عَلَى مَنْ اِعْتَدَى عَلَيْهِ»^۵ کجاست آن طالب و جوینده خون‌های پایمال‌شده انبیا و فرزندان انبیا؟ کجاست آن طالب خون مقتول در کربلا؟ کجاست آن کسی که خداوند او را بر دشمنانش یاری کرده و پیروز گرداند؟ در این بند از دعا، افزون بر تصریح به خون‌خواهی سیدالشهدا، به صراحت از خون‌خواهی انبیا و فرزندان انبیا نیز اسم برده می‌شود.

ب) دسته دیگر روایات موضوع خون‌خواهی را به طور کلی برای همه افراد تبیین می‌کند؛ برای نمونه در نهج البلاغه نقل شده است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ دِمٍ ثَأِراً وَلِكُلِّ طَالِبٍ حَقٌّ طَالِباً»^۶ بدانید که برای هر خونی، خون‌خواهی است و برای هر حقی، طلب‌کننده‌ای. ابن ابی الحدید در شرح این جمله تصریح می‌کند که اشاره‌ای آشکار به خون‌خواهی امام حسین علیه السلام و اهل بیت اوست؛ گویی حضرت، واقعه کربلا را از دور می‌دید و بر

۱. «ای انتقام‌گیرندگان حسین» یا «ای خون‌خواهان حسین».

۲. محمد بن علی ابن بابویه، الأمالی، ص ۱۲۹.

۳. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۷۶ - ۱۷۷.

۴. همان، ص ۱۷۵.

۵. علی بن موسی ابن طاووس، جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، ص ۵۶۰؛ محمدباقر مجلسی، زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۳۰۶.

۶. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغة، خطبه ۱۰۵، ص ۱۵۱.

اساس آن سخن می گفت.^۱ این توضیح ابن ابی الحدید اطلاق کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام را نفی نمی کند؛ از این رو طبق نص کلام حضرت «برای هر خونی، خون خواهی است» و این حق شامل خون خواهی برای شهیدان نیز می شود.

شیخ صدوق نیز با سند صحیح نقل می کند: «و یُسْنَدُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ فِيمَا كَتَبَ إِلَيْهِ الرِّضَاءُ علیه السلام مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ حَرَّمَ اللَّهُ قَتْلَ النَّفْسِ لِعِلَّةِ فَسَادِ الْخَلْقِ فِي تَخْلِيلِهِ لَوْ أُحِلَّ وَفَنَائِهِمْ وَ فَسَادِ التَّدْبِيرِ»^۲ امام رضا علیه السلام در جواب پرسش های مکتوب محمد بن سنان مکتوب فرمودند: خداوند کشتن انسان را حرام کرده است، به دلیل فساد مخلوقات [مردم] در صورت حلال شمردن آن و به دلیل نابودی و فناء آنان و نیز فساد در تدبیر و نظام [اجتماعی].

همچنین درباره حکمت تشریع حکم قصاص در کتاب احتجاج از امام سجاد علیه السلام نقل شده است: «أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الطَّبْرَسِيُّ فِي الْإِحْتِجَاجِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ^۳ - وَ لَكُمْ يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ لِأَنَّ مَنْ هَمَّ بِالْقَتْلِ فَعَرَفَ أَنَّهُ يُقْتَصُّ مِنْهُ فَكَفَّ لِذَلِكَ عَنِ الْقَتْلِ كَانَ ذَلِكَ حَيَاةَ الَّذِي هَمَّ بِقَتْلِهِ وَ حَيَاةَ لِهَذَا الْجَانِي الَّذِي أَرَادَ أَنْ يُقْتَلَ وَ حَيَاةٌ لِغَيْرِهِمَا مِنَ النَّاسِ إِذَا عَلِمُوا أَنَّ الْقِصَاصَ وَاجِبٌ لَا يَجْتَرُونَ عَلَى الْقَتْلِ مَخَافَةَ الْقِصَاصِ»^۴ احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی در کتاب احتجاج از امام علی بن الحسین علیه السلام درباره سخن خداوند متعال "وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ" نقل کرده است: و برای شما ای امت محمد صلی الله علیه و آله، در قصاص، حیات و زندگی است؛ زیرا کسی که قصد قتل کند و بداند که از او قصاص خواهد شد، به همین دلیل از قتل دست می کشد. این کار، حیات کسی است که او قصد کشتنش را داشته است و حیات خود این جنایتکار است که می خواست قتل کند و حیات دیگران از مردم نیز هست؛ چون وقتی بدانند قصاص واجب است، جرئت قتل پیدا نمی کنند و از ترس قصاص، از کشتن خودداری می نمایند». بنابراین قصاص قاتلان شهیدان به ویژه رهبر، مرجع و قائد شهیدمان و دیگر شهیدان جنگ تحمیلی، موجب بازدارندگی دشمن قاتل و وقیح از اقدام مجدد خواهد شد و کوتاهی در این موضوع، زمینه ساز

۱. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۷، ص ۱۲۰.

۲. محمد بن حسن شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۱۴.

۳. بقره: ۱۷۹.

۴. فی المصدر - لا یجسرون.

۵. محمد بن حسن شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۵۳.

جرئت مجدد دشمن‌یابی خواهد شد.

در بیان حکم قتل عمد، روایتی در تهذیب شیخ طوسی و من لایحضره الفقیه شیخ صدوق از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «لَيْسَ الْخَطَا مِثْلُ الْعَمْدِ الْعَمْدُ فِيهِ الْقَتْلُ»، وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ مِثْلَهُ: ^۱ قتل خطایی مثل قتل عمد نیست؛ در قتل عمد، حکم بر قتل قاتل است».

درباره عفوکردن و بخشش و اقدام نکردن به قصاص توجه به این نکته مهم است که عفو در برخی روایات به موردی اختصاص یافته است که قاتل از مؤمنان باشد و نه هر فردی با هر آیینی؛ همان‌طور که در روایت از امام سجاد علیه السلام نقل شده است: «الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيُّ علیه السلام فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام قَالَ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ - يَعْنِي الْمُسَاوَاةَ وَأَنْ يُسَلَّكَ بِالْقَاتِلِ فِي طَرِيقِ الْمَقْتُولِ الْمَسْلَكُ الَّذِي سَلَكَ بِهِ مَنْ قَتَلَهُ الْخُرُّ بِالْخُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَى بِالْأُنْثَى - تُقْتَلُ الْمَرْأَةُ بِالْمَرْأَةِ إِذَا قَتَلَتْهَا فَمَنْ عَفَى لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ ...» ^۲ امام حسن بن علی عسکری علیه السلام در تفسیر خود از پدرانش از علی بن الحسین علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، قصاص در مورد کشته‌شدگان بر شما مقرر شده است؛ یعنی برابری و مساوات و اینکه قاتل باید به همان راهی که مقتول را در آن قرار داد، هدایت شود؛ همان راهی که قاتل با او پیموده بود؛ آزاده در برابر آزاده، برده در برابر برده و زن در برابر زن. زن برای کشتن زن کشته می‌شود؛ پس هر کسی که از سوی برادرش (ولی مقتول) چیزی مورد عفو قرار گیرد ...». خطاب ابتدای آیه در حدیث یعنی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» و جملات آخر حدیث «فَمَنْ عَفَى لَهُ مِنْ أَخِيهِ»، نشان می‌دهد که موضوع عفو در قصاص مربوط به روابط بین اهل ایمان است و نه بین اهل ایمان و سایر انسان‌ها از کافران و مشرکان و غیرمسلمانان.

مؤید این برداشت حدیث بعد است که از امام کاظم علیه السلام نقل شده است:

الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الدَّيْلَمِيُّ فِي الْإِرْسَادِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ فِي تَفْضِيلِ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَلَى الْأُمَمِ إِلَى أَنْ قَالَ وَ مِنْهَا أَنَّ الْقَاتِلَ مِنْهُمْ عَمْدًا إِنْ شَاءَ أَوْلِيَاءُ الْمَقْتُولِ أَنْ يَعْفُوا عَنْهُ فَعَلُوا وَإِنْ شَاءُوا قَبِلُوا الدِّيَّةَ وَ عَلَى أَهْلِ التَّوَرَةِ وَ هُمْ أَهْلُ دِينِكَ يُقْتَلُ الْقَاتِلُ وَ لَا يَعْفَى عَنْهُ وَ لَا تُؤْخَذُ مِنْهُ دِيَّةٌ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ

۱. همان، ج ۲۹، ص ۵۳.

۲. همان، ص ۵۴.

رَبِّكُمْ وَرَحْمَةً: ^۱ا^۲ حسن بن محمد دیلمی در کتاب الإرشاد از امام ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام در حدیثی طولانی درباره برتری این امت بر امت‌های دیگر نقل کرده است که فرمود: و از آن [برتری‌ها] این است که قاتل عمدی از این امت، اگر اولیای مقتول بخواهند می‌توانند از او عفو کنند و اگر بخواهند دیه را بپذیرند؛ اما بر اهل تورات - که آنان اهل دین تو هستند - قاتل کشته می‌شود و نه از او عفو پذیرفته می‌شود و نه دیه‌ای از او گرفته می‌شود؛ خداوند عزوجل فرمود "این تخفیف و رحمتی از جانب پروردگار شماست".

از این رو گفته می‌شود روایات متعدد و معتبر، خون‌خواهی را اصل ثابتی در اسلام معرفی می‌کنند و این محدود به امام حسین علیه السلام نبوده و شامل همه شهدا، انبیا و اولیای مظلوم در طول تاریخ می‌شود و همه کسانی که در راه حق شهید شده‌اند، نصیبی از این عدالت فراگیر خواهند برد. بنابراین، شعار «یا لثارات الحسین» در زمانه ما و به خون‌خواهی از شهدان جنگ تحمیلی با آمریکا و رژیم صهیونیستی به‌ویژه امام قائد شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای اعلی‌الله مقامه الشریف، فریادی برای خون‌خواهی همه شهدای اسلام است، برای جلوگیری و بازدارندگی از اقدامات مشابه در آینده است، برای اصلاح روابط بین انسان‌ها و دولت‌ها و ملت‌ها است و بازداري آنها در تجاوز و قتل یکدیگر، و برای اینکه همگان را به بصیرت، حرکت و آمادگی برای یاری حق در آخرالزمان فراخوانده شوند.

رسالت مبلغان در خون‌خواهی شهیدان

الف) تبیین صحیح مفهوم خون‌خواهی و تبیین مبانی دینی آن برای مردم

مبلغان دینی رسالت خطیری بر عهده دارند تا مفهوم خون‌خواهی را از واکنش احساسی صرف، به گفتمان عمیق دینی و انقلابی تبدیل کنند. خون‌خواهی در نگاه اسلامی به معنای انتقام شخصی نیست، بلکه مطالبه‌گری حق الهی و انسانی است که با هدف حفظ حرمت خون شهید و استمرار مسیر جهاد و مقاومت صورت می‌گیرد. مبلغان باید با استناد به مبانی قرآنی و روایی، این حقیقت را تبیین کنند که خون شهید، امانت الهی است و خون‌خواهی، تجلی امر به معروف و نهی از منکر در سطح تمدنی است. این تبیین موجب هدایت مردم از سطح هیجان‌های گذرا

۱. بقره: ۱۷۸.

۲. محمد بن حسن شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۵۵.

به فهم عقلانی و تعهد عملی در برابر آرمان‌های شهیدان می‌شود و مانع تحریف این مفهوم به خشونت کور یا فراموشی تاریخی می‌گردد.

ب) مقابله با تحریف‌های حقیقی و رسانه‌ای

یکی از مهم‌ترین رسالت‌های مبلغان، ایستادگی هوشمندانه در برابر تحریف‌های سازمان‌یافته‌ای است که دشمنان خارجی و جریان‌های داخلی معاند شکل می‌دهند. تحریف رسانه‌ای با ابزارهایی مانند تحقیر فرهنگ ایثار، ترویج سبک زندگی مصرف‌گرا و ایجاد شک و تردید درباره ضرورت مقاومت، می‌کوشد خون شهیدان را بی‌ارزش جلوه دهد. مبلغان باید با تحلیل دقیق و زبان روزآمد، این شبهات را شناسایی کنند و پاسخگو باشند و با روایت صادقانه و مستند از حماسه دفاع مقدس، جلوی تحریفات را بگیرند. این مقابله نیازمند بصیرت، دانش رسانه‌ای و تسلط بر گفتمان معاصر است تا نسل جدید در برابر جنگ نرم دشمن، مصونیت فکری بیابد.

ج) تبیین پیوند شهید با تمدن جدید اسلامی

مبلغان باید شهیدان دفاع مقدس را در جایگاه معماران و پیشرانان تمدن جدید اسلامی معرفی کنند. خون این شهیدان نه تنها زمینه‌ساز پیروزی در جنگ تحمیلی شد، بلکه بذر تمدنی مستقل، عادلانه و معنوی را در قلب تاریخ معاصر کاشت. رسالت مبلغان آن است که این پیوند را برای مردم روشن کنند؛ اینکه چگونه فرهنگ ایثار و شهادت، پایه‌های مقاومت اقتصادی، علمی و فرهنگی را تقویت می‌کند و الگویی زنده برای ساخت تمدن اسلامی ارائه می‌دهد. این پیوند موجب تبدیل شدن شهیدان از قهرمانان گذشته به الگوهای راهبردی برای آینده می‌شود و نسل جوان را به مشارکت فعال در پروژه بزرگ تمدنی دعوت می‌کند.

آثار و برکات فرهنگ خون‌خواهی شهیدان

الف) کسب رزق معنوی (با خون‌خواهی قائد شهید)

خون‌خواهی سیدالشهدا در ادبیات روایی، امری بسیار برجسته است. این امر در زیارت عاشورا به مثابه رزق نامیده شده است: «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ»؛ یعنی ما به امام حسین بیان می‌داریم تقاضا می‌کنم از خدایی که مقام شما را گرامی داشت و من را به واسطه شما گرامی داشت، «أَنْ يَرْزُقَنِي: روزی کند برای من»؛ یعنی هدیه و تحفه الهی و سوغاتی خاص از طرف خدا. اما این روزی چه چیزی است؛ در ادامه می‌خوانیم: «طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ أَهْلِ

بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»^۱. بنابراین با الهام از زیارت عاشورا می‌توان آثار معنوی خون‌خواهی برای قائد شهید را در جایگاه نایب امام زمان (عج) استفاده کرد. آثار و برکات بسیار متعددی در خون‌خواهی مطرح است که باید محور حرکت و شعار جامعه مهدوی و ایمانی باشد.

ب) ایجاد ناامنی روانی برای عاملان ترور

اگر اسامی جنایتکارانی که عزیزان ما را به شهادت رساندند، در تمام رده‌ها منتشر شود، چقدر ناامنی برای شان در سراسر عالم ایجاد خواهد شد؟ ترس از انتقام برای همه اینها، شیوه‌ای از خون‌خواهی و آغاز خون‌خواهی است. مؤمنان در سراسر عالم کاری کنند که دشمن بفهمد یک مرجع تقلید، رهبر امت، یک دانشمند الهی و دینی و کسی که مقتدای مردم و نفس‌زکیه است را نمی‌توان شهید کرد.

اکنون به پیشوای شهیدمان عرض می‌کنم: ای قتیل مظلوم! ای مظلوم سرافراز! ای بنده‌ی صالح خدا! حال که با چشمان اشکبار و دلهای شکسته با پیکر شما وداع می‌کنیم، با شما عهد می‌بندیم... که انتقام خون پاک شما و همه‌ی شهیدان این دو جنگ را از قاتلین جنایتکار و بی‌آبرو بگیریم. این انتقام، خواست ملت ما است و به‌طور حتمی باید صورت بگیرد. این جنایتکاران که فهرستی از صدر تا ذیل‌شان موجود است، آرزوی مرگی آرام و در بستر را با خود به گور خواهند برد.^۲

ج) تأمین امنیت و بازدارندگی

بیان شد که جریان خون‌خواهی ضمانت‌کننده امنیت ولیّ خدا و جامعه است. اگر شهادت امام شهید، فرماندهان و ملت شریف ایران برای دشمن کم‌هزینه باشد، به‌یقین آن را دوباره تکرار خواهد کرد. بنابراین باید جریان خون‌خواهی در عالم به گونه‌ای فراگیر شود که هزینه سنگینی را بر دشمن به بار آورد تا دیگر جرئت تعدی و تعرض به ولیّ خدا را نداشته باشد؛ همان‌گونه که بعد از شهادت سیدالشهدا (علیه السلام)، دشمن دیگر آشکارا جرئت به شهادت‌رساندن دیگر ائمه را نداشت. امروز هم اگر دشمن هزینه سنگینی بابت شهادت امام شهید نپردازد، به‌یقین این عمل را دوباره تکرار خواهد کرد؛ از این رو هم مسئولان و هم یکایک آزادگان عالم باید اراده قاطع خود را برای

۱. محمدرضا عابدینی، برخیز به خون‌خواهی، ص ۵۹.

۲. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=63235>

خون‌خواهی و قصاص قاتلان امام شهید، کودکان میناب و دیگر شهیدان نشان دهند و اقدامات عملی جدی را در این باره در دستور کار قرار دهند.^۱

(د) وحدت

خون‌خواهی، تبلور و مصداق بغض شدید الهی در برابر دشمنان خداوند است که خداوند در وجود انسان قرار داده است؛ همچنین تبلور محبت الهی به ولیّ خداوند است که به شهادت رسیده است و ملازم بیعت و محبت با ولیّ دم اوست؛ به همین دلیل خون‌خواهی مملو از حبّ و بغض الهی به مثابه حبّ الله و عامل وحدت معرفی شده است. امروز اگر می‌خواهیم وحدت جامعه تحکیم و تقویت شود، باید خون‌خواهی را محور قرار دهیم. اگر کسی می‌خواهد این مسئله را تقلیل دهد یا به فراموشی بسپارد، درواقع قصد تضعیف وحدت جامعه را دارد. باید توجه داشت عامل مهمی که وحدت جامعه را تقویت می‌کند، موضوع خون‌خواهی است.^۲

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۹۶۵ م.
۲. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، الأمالی، قم: مؤسسة البعثة، ۱۳۷۲ ش.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، قم: دارالرضی، [بی‌تا].
۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف: دارالمرتضویة، ۱۳۵۶ ش.
۵. ابوالفداء، اسماعیل بن علی، تاریخ ابی‌الفداء، بیروت: دارالکتب العلمیة، [بی‌تا].
۶. بحرانی، عبدالله بن نورالله، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال، قم: مدرسه الإمام المهدی علیه السلام، [بی‌تا].
۷. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسة البعثة، [بی‌تا].
۸. حائری، محمد بن ابی‌طالب، تسلیة المجالس و زینة المجالس، قم: بنیاد معارف اسلامی، [بی‌تا].
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل‌البت علیه السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۹ ق.

۱. همان، ص ۶۶ - ۶۷.

۲. همان، ص ۶۹.

۱۰. حسینی خاتون آبادی، عبدالحسین، وقایع السنین و الاعوام، تهران: کتابفروشی اسلامیة، [بی تا].
۱۱. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، قم: دارالهجرة، [بی تا]. طباطبائی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مشهد: آستان قدس رضوی، [بی تا].
۱۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، بیروت: دارالکتب العلمیة، [بی تا].
۱۴. عابدینی، محمدرضا، برخیز به خون خواهی، تهران: مجموعه ربیون مرکز رشد دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۰۵ ش.
۱۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، [بی تا].
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۱۷. مجلسی، محمدباقر، زاد المعاد (مفتاح الجنان)، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، [بی تا].
۱۸. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، [بی تا].